

اشتباهات قضایی (بخش کیفری)

گردآوری:

مهری موسوی مقدم

چاپ و صحافی: واصف صفحه‌آرایی: یوسف نجفی فرد تیراژ: ۱۰۰۰
شابک: 978-600-7047-19-4 چاپ اول ۱۳۹۶ قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

انتشارات حقوق امروز

قم، خیابان ۱۹ دی، پ ۷۰۵

رج. بازار ملاصدرا، تپش میدان نبوت، جنب بانک ملت، ساختمان هیراد، واحد ۲۰۱

تلفن: ۰۲۶۳۲۵۵۸۹۵۱ - ۲ نمابر: ۰۲۶۳۲۵۵۸۹۶۰

سایه حقوق برای ناشر محفوظ است»

سرشناسه	:	موسوی مقدم، مهری، ۱۳۹۶ -
عنوان و نام پدیدآور	:	اشتباهات قضایی (بخش کیفری) گردآوری مهری موسوی مقدم.
مشخصات نشر	:	قم: حقوق امروز، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	ج. ۱ (بدون ج. هارده گذاری)
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	اشتباه قضایی - ایران Judicial error -- Iran
موضوع	:	اشتباهها (حقوق) -- ایران Mistake (Law) -- Iran
موضوع	:	قاضیان -- ایران -- خطای شغل Judges -- Iran -- Malpractice
موضوع	:	آرای حقوقی - ایران Judgments -- Iran
رده بندی کنگره	:	KMH/۱۷۹۸م ۵۵الف ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	:	۲۴۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۰۳۷۳۳۴

هرگونه نقل مطلب تحت هر عنوان صرفاً در چهارچوب ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مؤلفین و مصنفین به مقاصد ادبی، علمی، فنی و آموزشی و تربیتی به صورت انتقاد و تقریظ یا ذکر مأخذ در حدود متعارف مجاز است.

بخش اول - جرایم علیه اموال

۱۱	خیانت در امانت
۱۴	خیانت در امانت
۱۷	کلاهبرداری
۲۱	کلاهبرداری و فروش مال غیر
۲۸	کلاهبرداری
۴۶	کلاهبرداری
۵۲	فروش مال غیر
۵۵	کلاهبرداری
۵۸	فروش مال غیر
۶۱	کلاهبرداری در طریق سرانویسی
۶۷	کلاهبرداری از مال غیر
۷۵	تصرف عدوانی
۷۹	سرقت
۸۱	سرقت
۸۴	سرقت
۸۷	سرقت مقرون به آزار
۹۰	سرقت
۹۳	سرقت
۱۰۱	سرقت
۱۱۰	ورود به عنف و ایراد ضرب و جرح عمدی

بخش دوم - جرایم علیه اشخاص

۱۱۵	منازعه
۱۲۱	منازعه
۱۲۷	قدرت نمایی با چاقو
۱۳۳	ایجاد مزاحمت برای بانوان
۱۳۷	ایجاد مزاحمت برای بانوان

۱۴۱	مزاحمت برای بانوان
۱۴۴	رابطه نامشروع مادون زنا
۱۵۶	رابطه نامشروع و قوادی
۱۶۱	رابطه نامشروع
۱۶۴	زناي غير محصنه
۱۷۳	ايراد صدمه بدني عمدی
۱۸۰	ايراد ضرب و جرح عمدی
۱۸۳	ضرب و جرح عمدی
۱۸۷	ايراد ضرب و جرح عمدی و توهين
۱۹۳	ايراد صدمه بدني عمدی و توهين و تخريب اموال
۲۰۰	ايراد ضرب و جرح عمدی با چاقو
۲۰۲	ايراد صدمه بدني عمدی
۲۰۵	ايراد صدمه بدني عمدی
۲۱۰	آدم ربایي
۲۱۶	آدم ربایي
۲۲۲	آدم ربایي
۲۲۶	قتل غير عمدی

بخش سوم - سایر راییم

۲۴۱	ديه
۲۴۶	مطالبه ديه از ورثه
۲۵۱	غصب عنوان
۲۵۵	استفاده از سند مجهول
۲۵۸	جعل امضاء و استفاده از سند مجهول
۲۶۵	جعل و استفاده از سند مجهول
۲۶۸	جعل و استفاده از سند مجهول
۲۷۱	تغيير کاربري
۲۷۳	تغيير کاربري اراضي زراعی

۲۷۵	تغییر کاربری
۲۸۰	تغییر کاربری
۲۸۳	تغییر کاربری
۲۸۷	نشر اکاذیب
۲۹۲	عدم رعایت مقررات ایمنی
۲۹۸	بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی در محیط کار منجر به حادثه
۳۰۵	ضبط وثیقه
۳۱۱	ضبط وثیقه
۳۱۵	مساعدت در خلاصی مجرم

مقدمه

اشتباه، جزئی از هر نوع قضاوت بشری است، اما در فرآیند دادرسی برای این که تکلیف دعوای مطروحه و اصحاب آن مشخص شود، و از ادامه روند فرسایشی دادرسی جلوگیری شود، قانونگذاران مراحل رسیدگی را مشخص و محدود می‌کنند تا پس از طی مراحل مشخص، رای صادره قطعی گردد. اما در فرآیند قانون‌گذاری ایران وضع متفاوت است. زیرا: الف) پس از انقلاب اسلامی و متأثر از نفوذ اندیشه‌های فقهی در قوانین شکلی و ماهوی، قانون‌گذار ابتدا حق تجدیدنظر خواهی را از اصحاب دعوا سلب نمود و کلیه آرای دادگاه‌ها را قطعی ساخت. تا این که در سال ۱۳۶۷ و به موجب قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها، حق تجدیدنظر نظر خواهی برای اصحاب دعوا به رسمیت شناخته شد.

ماده ۸ قانون تعیین موارد تجدیدنظر آرای دادگاه‌ها مصوب ۱۳۷۲/۵/۲۴ مقرر می‌دارد: «کلیه آراء در موارد زیر قابل تجدیدنظر است:

۱. جایی که قاضی صادر کننده رای متوجه اشتباه رای خود شود.
 ۲. جایی که قاضی دیگری پی به اشتباه رای صادره ببرد به نحوی که اگر به قاضی صادر کننده رای تذکر دهد متنبه گردد.
 ۳. جایی که ثابت شود قاضی صادر کننده رای صلاحیت رسیدگی و انشاء رای را نداشته است.
- تبصره- در مورد بندهای ۱ و ۲ مرجع تجدیدنظر رای را نقض و رسیدگی می‌نماید و در مورد بند ۳ مرجع تجدیدنظر بدو به اصل ادعای عدم صلاحیت رسیدگی و در صورت احراز، رسیدگی مجدد را انجام خواهد داد.
- ماده ۹- علاوه بر موارد مذکور در ماده ۸ آرای زیر نیز قابل تجدیدنظر می‌باشد تا چنانچه مرجع تجدیدنظر پس از رسیدگی پی به اشتباه بین حکم و یا عدم صلاحیت دادگاه ببرد، رای را نقض و رسیدگی مجدد نماید...

ب) این سیاست ادامه یافت و شاید تحت تاثیر نتایج حاصله از شناسایی «فرآیند تجدیدنظر خواهی»، قانونگذار ناچار شد همیشه یک‌راهکار نهایی برای جلوگیری یا رفع اثر از اشتباهات قضات در اختیار باشد. شاید مبنای فقهی این اندیشه این باشد که چون از نظر فقهی، قاضی الزاماً باید مجتهد باشد، و در عصر حاضر از سویی تعداد مجتهدین بسیار کم است و برای رسیدگی به تعداد زیاد پرونده‌های متشکله و دعوای مطروحه کافی نیستند و از سویی شاید

بیشتر مجتهدین، حاضر به قضاوت نباشند، لذا به ناچار از میان دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، افراد واجد شرایط نسبی، به قضاوت می‌نشینند. در نتیجه این افراد به علت عدم برخورداری از شرط اجتهاد، ممکن است در رسیدگی و صدور رای دچار اشتباه شوند. در سابقه قانونگذاری ایران شاید کمتر نهاد یا ماده قانونی به اندازه ماده قانونی مربوط به اختیار امکان تجدیدنظر در رای قطعی دادگاه‌ها یا به تعبیری اعاده دادرسی به علت خلاف شرع بودن رای، دستخوش بازنگری و اصلاح قرار گرفته است. این اراده ابتدا در ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تبلور یافت. آنجا که قانون‌گذار اعلام نموده است: ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ آراء دادگاه‌های عمومی و انقلاب اعم از حکم یا قرار در موارد زیر نقض می‌شود:

۱. قاضی صالح‌کننده رای متوجه اشتباه رای خود خود.
 ۲. قاضی دیگری رای به اشتباه رای صادره ببرد به نحوی که اگر به قاضی صادرکننده رای تذکر داده می‌گردد.
 ۳. ثابت شود تقاضای صادرکننده رای صلاحیت رسیدگی و انشاء رای را نداشته است.
- تبصره- در مورد بندهای ۱ و ۲ مرجع تجدیدنظر نظر رای را نقض و رسیدگی می‌نماید و در مورد بند ۳ مرجع تجدیدنظر بدو به اصل ادعای عدم صلاحیت رسیدگی و در صورت احراز، رسیدگی مجدد را انجام خواهد داد.
- چ) در تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۲۱ رای وحدت رویه شماره ۶۲۲ از دیوان عالی کشور صادر گردید که به موجب آن: «مقررات ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۷۳ تضمینی است در جهت تأمین صحت آراء مساکم و جاری بودن احکام از اشتباه و مستفاد از بند ۲ ماده ۱۸ قانون مزبور به قرینه جمله شرطیه مندرج در قسمت اخیر آن این است که اشتباه در رای صادره آن چنان واضح و بین باشد که چنانچه به قاضی صادر کننده رای تذکر داده شود موجب تباهی گردد لیکن حتمیت لزوم تذکر به قاضی صادر کننده رای و حصول تباهی او از آن استنباط نمی‌شود همین قدر که قاضی دیگری که سابقاً قانوناً در مقامی است که می‌تواند بر اجرای صحیح قوانین نظارت نماید بی‌به اشتباه رای صادره ببرد و مطلب را کتباً و مستلاً عنوان کند مرجع تجدیدنظر را رأساً به اعمال حرکت تباهی ذیل ماده ۱۸ مکلف می‌نماید و با این کیفیت رای شماره ۱۲۰-۷۶،۲،۹ شعبه بیستم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح و منطبق با

موازن قانونی تشخیص می‌گردد. این رای طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

د) در رای شماره ۶۸۹ در سال ۱۳۸۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مقرر داشته است: «طبق قوانین مصوب، صلاحیت دادگاه‌ها در امور کیفری از حیث رسیدگی تابع نوع مجازات و میزان آن است، بنابراین رسیدگی به تجدیدنظر خواهی شاکی در مورد اتهام متهم به ارتکاب قتل عمد، با توجه به نوع مجازات آن در صلاحیت دیوان عالی کشور است و رسیدگی به اعتراض معترض نسبت به آراء قطعی با شعب تشخیص دیوان عالی کشور می‌باشد. علی‌هذا تا زمانی که رایی قطعی حاصل نکرده، شعب تشخیص صالح به رسیدگی نخواهند بود، حال چنانچه به درخواست تجدیدنظر در مرجع غیر صالح رسیدگی ولی اعتراض فوق‌العاده نسبت به آن به شعب تشخیص محول شده باشد، به این لحاظ که یک مرحله از رسیدگی در مرجع صالح انجام نگرفته و رأی مرجع فاقد صلاحیت قانونی نیز بلا اثر می‌باشد، اعاده پرونده جهت طرح در مرجع واحد صلاحیت صحیح و منطبق با قانون است. بنابه مراتب به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی، رأی شعبه چهل و دوم دیوان عالی کشور صحیح و قانونی تشخیص به استناد ماده ۳۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع می‌باشد.»

ه) ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۸۵ به نحو زیر اصلاح شد: «ماده ۱۸ آراء غیر قطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام همان است که در قانون آیین دادرسی ذکر گردیده، تجدیدنظر یا فرجام خواهی طبق مقررات آیین دادرسی مربوط انجام خواهد شد. آراء قطعی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و دیوان عالی کشور جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر گردیده قابل رسیدگی مجدد نیست مگر در مواردی که رأی به تشخیص رئیس قوه قضائیه خلاف این شرع باشد که در این صورت این تشخیص به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی محسوب و پرونده حسب مورد به مرجع صالح برای رسیدگی ارجاع می‌شود.

تبصره ۱- مراد از خلاف بین شرع، مغایرت رأی صادره با مسلمات فقه است و در موارد اختلاف نظر بین فقها ملاک عمل نظر ولی فقیه و یا مشهور فقها خواهد بود.

تبصره ۲- چنانچه دادستان کل کشور، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح و رؤسای کل دادگستری استان‌ها، مواردی را خلاف بین شرع تشخیص دهند مراتب را به رئیس قوه قضائیه اعلام خواهند نمود.

تبصره ۳- آراء خلاف بین شرع شعب تشخیص، در یکی از شعب دیوان عالی کشور رسیدگی می‌شود.

تبصره ۴- پرونده‌هایی که قبل از لازم‌الاجراء شدن این قانون به شعب تشخیص وارد شده است مطابق مقررات زمان ورود رسیدگی می‌شود. پس از رسیدگی به پرونده‌های موجود، شعب تشخیص منحل می‌شود.

تبصره ۵- آرائی که قبل از لازم‌الاجراء شدن این قانون قطعی یافته‌است حداکثر ظرف سه ماه و آرائی که پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون قطعی خواهد یافت حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ قطعی شدن رسیدگی مجدد مطابق مواد این قانون می‌باشد.

و) در سال ۱۳۸۷ و به موجب ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه: «ریاست قوه قضائیه سمت قضائی است و هرگاه رئیس قوه قضائیه ضمن بازرسی، رأی دادگاهی را خلاف بین شرع تشخیص دهد، از ارجاع جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع خواهد داد.

ز) به علت مشکلاتی که در تفسیر و اجرای این ماده در رویه قضایی ایجاد شده بود برای رفع ابهام در سال ۱۳۸۷ استفساری از مجلس انجام شد:

ماده واحده- آیا تشخیص مغایرت بین آراء شعب با شرع توسط رئیس قوه قضائیه به معنای قبول و تجویز اعاده دادرسی منوط و کلیه شعب مرجوع‌الیه دادگاه‌های عمومی، تجدیدنظر و دیوان عالی کشور و نظامی مکلف به رسیدگی ماهوی به موضوع و انشاء رأی می‌باشند یا خیر؟

نظر مجلس: «تشخیص رئیس قوه قضائیه به معنای تجویز اعاده دادرسی است و پرونده در مورد آرائی که در سابق از شعب تشخیص صادر گردیده به شعب دیوان عالی کشور و در سایر موارد به مرجع صالح جهت رسیدگی ماهوی و صدور رأی مقتضی ارجاع می‌گردد.»

ک) در سال ۱۳۹۲ و به موجب ماده ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری نسخه جدیدی از ماده ۱۸ سابق رونمایی شد. به موجب این ماده: «در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هریک از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد با تجویز اعاده دادرسی پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای

این امر تخصیص می‌یابد، رسیدگی و رای قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیاً برخلاف شرع بین اعلام شده رای قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل می‌آورند و رای مقتضی صادر می‌نمایند».

محمد موسوی مقدم
مدیر انتشارات حقوق امروز
۱۳۹۶/۱۰/۶

www.ketab.ir